



بقلم آقای سرورخان جويا

نظری بمطبوعات و نشریات ما

عواطف آدمیت و حواجج مدنیت در هر وقت و زمانی انسانها را به تولید یکنوع و سایی برانگیختانده ، امروزه جمعی از طبقات انسانی که براحت های مادی حیات علاقه منداند خودشان را بمنون زحمات مخترعینی میدانند که از اثرات اختراع و ایجاد آنها خود را در آسایش و تمنیات شان را در عالم مادیات تامین شده می بینند و گروهی از افراد بشر که به تصفیه اخلاق و تزکیه یا تربیه روحیات خویش دلبستگی دارند نیز رهین محنت های همان طبقه علما و نویسندگان یا موجدین و مکتشفینی هستند که احتیاجات مدنی را از پرتو آنها رفع شده و مدنیت جهانی معنوی را در جامعه بشری از زحمات فکری او شان ترزیق شده می یابند .

اگرچه برای انسانهای مدنی هر دو جنبه مادی و معنوی این موضوعات محل احتیاج شمرده شده ولی از آنجائیکه مهمترین وساطت ارتقای مادی و معنوی اجتماعات بشری وابسته اشاعه علوم و فنون و ترویج معارف است و این کار بدون طبع و نشر کتب و آثار فکر و قلم علما و نویسندگان صورت اساسی بخود نمیگیرد لهذا از جهات بسیاری نظر با احتیاجات

محیطی و حیث مسلکی میتوانیم مسایل متأخر الذکر را بیشتر تقدیر کرده یا مورد لزوم دانسته بگوئیم :

یداریهای روحانی و تحریکات عقلانی ما برای ابدیت مرهون عطایای نوع پرورانه آن مردمان رؤفی باید بود که با سرپنجه های رسا و دلهای شجاعی از يك قرن دو قرن باینطرف عمری خاک و دود کرده چشمی از لذائد نفسانی بستند و در صحنه های مدنیت عالم عهده دار بازی کردن رول های مطبوعات و نشریات گشته اند .

متفکرین عقیده دارند که قاطع ترین اسلحه عصر کنونی سلاح علم و فن است اما به اینهم باید متیقن باشیم : بزرگترین عواملی که در جوامع واسطه تعمیم و یا ذریعه استعمال این اسلحه بشوند همین مطبوعات و نشریات یا آمال علاقه مندان آنها خواهد بود .

کوتاه نظرانی ممکن است این مسایل را از جزویات بشمرند چه يك نویسنده فقیری را می بینند که با قلم شکسته بر پاره کاغذی بدقایت مختصر سطورى چند رقم میکنند و یا صفحه کاغذ محقری از ماشین چرک و چرنی بیرون آمده بنازلترین قیمتی در معرض نشریات ازین دست بآن دست نهاده میشود البته تا اثرات او هم سرسری و دور از اهمیت خواهد بود ولی اهل بصیرت میدانند که نتایج این اعمال و اوقات قلیلی که طراوش یافته مطبوعات و نشریاتش میگویند چه مهماتی را برای ابدیت ادامه و خاتمه داده و چه روحیات قوی و سرکش اجتماعات را در عالم معنی در زیر استیلای خویش آورده و می آورند .

اگرچه نوشتن و لوازم آن عبارت از سامان طبع و کاغذ و قلمی بیش نبوده و بظاهر حال مانند سایر ملزومات مدنی من حیث عظمت دستگاه باید هم چندان محل اعتنا نباشد مگر از نقطه نظر اعتبار حقیقت ، تجدد امروزی اقوام بانهایت شان و شوکت مینازد بآن تقدیمی که بر اساس علم و عرفان گذاشته شده باشد و مدنیت های فعلی ملل برای حال و آینده در انظار بینندگان دنیا کسب وقار مینماید اگر يك ورق پاره و یا سنگ ریزه از آثار گذشته گان خود بتاریخ چند سال پیشتری ظاهر نمایند .

گویا علم و معرفت کنونی ما مایه تعب و رنج و حاصل فکر و قلم علما و نویسندگان قدیم است و واسطه توسعه یا ایصال و ابلاغ آنان برای حال و آینده یگانه وسیله بزرگ مؤسسات

مطبوعات و نشریات گفته میشوند، هستی طبع و تشر در دنیا اثر یکرشته تجربیات است که ذریعه بوجود آوردن وسایل و اسباب لازمه آنها گردیده مانند ایجاد خط و کتابت اختراع کاغذ اکتشاف سامان طبع.

در اولین مرتبه که اولاد انسان بی ذریعه گفت و شنید از دور و نزدیک مطالب و مفکورات خود را یکی بدیگر از هموعان خود حالی کرده توانسته اند بایستی مشکور سعی و عمل آنکسانی باشند که تقریباً چند هزار سال قبل از میلاد در صدد پیدا کردن اصول خط و کتابت برآمدند آنها چه مشقاتی را درین راه متحمل گشتند تا کج و پیچ منقوشات روی سنگ، چوب و فلزات را که عبارت از خط میخی و براثلین و غیره باشد به نوشتن های امروزی تبدیل حالت دادند.

بعد ازین اعمال باز چیزی که سد راه علما و نویسندگان واقع بوده همانا عدم صحافی که بران مفکورات خود شان را در قید نگارش یا ورنه و آن صحائف همین تخته های کاغذ ملون و خوش تحریر است که فعلاً جانشین تخته های سنگ و پارچه های فلز و پوست حیوانات و برگ های پایروس است شرح اختراع این مقصد را هم طوری که بخطائینها نسبت میدهند گماندارم محتاج بذکر نیست فقط به اروپا در ۱۱۹۰ میلادی اول در آلمان بعد در ایتالیا، فرانسه، هالیند، انگلیس کارخانه های کاغذ ساختند و در روسیه بنای آن از زمان پتر کبیر است یعنی این مسئله هم بنوبه خود رفع کننده مشکلات مهمه مطبوعات و نشریات بحساب میروند که فعلاً این صنعت بکثرت فی مابین متقدمین اشاعه یافته و ممکن است نظر به مقتضیات علمی و مدنی در آتی به بیشتر هم ایشوارسانی

باینحال پیدایش کاغذ اگرچه بمراتب خود تا اندازه زمینه را برای ترویج علم آماده ساخت ولی در آن صورت استفاده زیاد تر عاید متعوانین و اولاد آن اغنیا بود که کتب خطی و آثار دستی را بسختی بدست آورده و همان طبقات محدودی از انحصار و مطالعات بهره ور میشدند گویا تنها اختراع کاغذ نتوانست علوم را از انحصار بیرون آورده و بعموم مفید ثابت شود، مجبوراً علما ب فکر عمیق تری افتاده و مهمترین آله و ادواتی را که وسیله تعمیم علم و عرفان گردیده قیمت کتب را نازل یا اختراع کاغذ را بیشتر

بنفع عامه تقویه نماید تهیه نمودند و آن هاهمین ماشین های تپوگراف و لیتوگراف است که مخترع اولی گوتنبرگ در ۱۴۵۳ و مخترع دومی سند فلارن پیشتر از سال ۱۸۲۴ بوده اینها هر کدام بنوبه خود یکی بعد دیگری در پیشگاه بشریت خدمات بزرگی را انجام دادند کتب و جراید مرتب و منظمی در عالم مطبوعات جلوه گر ساخته تجرییات مفید این دو نفر مخترعین الدسانی، سعی و عمل علما و نویسندگان را بسهولت و سرعت تمامی یگانه و اسطه ترقیات روحی و معنوی نوع انسان گردانید، سدسددی از پیش راه علما و نویسنده گان بر داشته شد و علوم و فنون از انحصار و خصوصیت بیرون آمد.

تپو و لیتو هر دو بین ما با اسمای مطبوعه یا چاپخانه حروفی و سنگی معروف هستند مطبوعه بطور یقین يك كلمه عربی است و چاپخانه را بعضی مقتبس از (چاو) دانسته مغولی یا چینی میدانند و برخی به هندی نسبت میدهند.

غرض بطور کلی گفته میتوانیم این گونه موسسات در هر سرزمینی جاگزین گردیده حقیقتاً اهالی آنجا را بسوی سعادت و رستگاری سوق داده بلکه هر جگانه مقدّمتر اساس گرفته و عوامل صحیحتری داشته یا خوبتر جالب تقدیر عامه واقع شده همان اندازه بیشتر و بیشتر ترقیات معنوی نصیب همان ملك و ملت گشته است.

این مؤسسات عرفانی که همواره بین اقوام عالم بادی نجات از جهالت و گمراهی و ضامن سعادت و مختیاری بوده اند، دو نوع و خطابی را شمه ده دار بود و بلد و شعب مهمه عرفانی و مدنی اختصاص اعمالی داشته اند: یکی قسمت عالی کتب و رسایل علمی فنی و تاریخی و غیره مضمونهای مصنفه و مولفه الطباغیه است که مستقلاً در یکوقتی نوشته و بطبع رسیده و سایل بزرگی برای آموزگاری در مدارس و کتب خانه ها میباشند، دیگری همان جراید و روز نامه جاتیست که مسایل سیاسی اخباری غیره اجتماعات را در اوقات معینه ماهانه نیم ماه هفته وار روزانه فی ما بین هر ملت و حکومتی به مناسبات مقتضیات محیطی بنام نشریات موقوته با اسمای گوناگون مقالاتی رقم شده و در معرض انتشار گذاشته میشود.

بهر حال این تفاوتها بعد تر روشن تر خواهد شد برویم سر اصل موضوع که مبدأ

قسمت‌های اولی یعنی کتب قلمی و مطبوعات مستقل از تار یخیست که انسانها قدرت خط و کتاب یافته و به اوایل انکشافات مطابع برخوردارند مخصوصاً در قرن ۱۵ میلادی تمایل علما نظر به احتیاج علمی به تدوین یا طبع و نشر کتب دیده شده ولی شروع قسمت ثانی اوقات پساتری است که مطابع نسبتاً ترقی یافته و ملل دنیا احتیاجات سیاسی و اجتماعی خود را احساس کرده اند و اشاعه یا ترویج افکار خواسته است از نهضت‌های اجتماعی ملل اعانت نماید باین معنی جراید جز در قرن ۱۶ دیده نشد چنانچه دایرة المعارف عربی می نویسد مثلیکه پیش از قرن ۱۷ هم اصولاتی بین قدما مروج بوده ولو شیبه جراید عصری رنگ و رونق نداشتند از انجمله روما نیها هر وقتیکه نشر خبر مهمی را خیال میداشتند توسل به صحیفه مسما به (ایکتا دیورنا) می جستند و آنها را بدیوار چسپانیده یا بمقامات طوایف میفرستادند تا مردم از آنها مطلع شده یا در گرداگرد مردم نشسته آنرا میخواندند بدینمنوال تا قرن هفدهم بوده و در آن تاریخ در بندقیه یکی از شهرهای ایتالیا بنام (غازت) نشرات شروع گردیده در هالیند و فرانسه بنام (اخبار) و در لندن بنام (میرکور) همچنان در سایر نقاط عالم هم بعد یکدیگر بمرور اشاعه یافته .

الحاصل در این از منہ که تاریخ مبادی نشریات ملل و ممالک دیگر را نشان میدهد ما وقتی قضا یای افغانستان را در آن ورق بزیم متأسفانه اوراق خونین و سطور مغشوشی در برابر چشم ما صفحات وطن را یک صحنه جنگ و جدال و زمین کشمکش‌های خارجی و داخلی نشان میدهد که یعنی اگر آثاری هم بوده پامال معرکه‌های رزم آوران گشته تنها اوراق مطبوعی که از وجود مطبوعات و نشریات قدیمی وطن بما اطلاع میدهد آثار دوره دومی زمامداری اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مرحوم بوده که از (۱۲۸۵) هجری قمری شروع شده و نسبتاً آرا مش افغانستان برای چند سالی بزمامدار آن عصر مجال داده است تا برای نظم و نسق امور اداری مملکت و وسایل عرفانی یا تنویر افکار ملی مساعی جمیله بکار برده شود از زمره مطبوعات و نشریات آن دوره که از چندی در اثر کنجکاوهای بسیار بدست نگارنده آمده یکی و عظم نامه ایست که مشتمل بر وقایع جنگ عثمانی و روس ترجمه از جریده (تیمزلندن) بوده باضافه شش و نیم صفحه مقدمه که از طرف مرتب

آن نوشته شده مجموعاً در ۹۰ صفحه میباشد این اثر بترتیب قاضی عبدالقادر خان بتاریخ شنبه ۲ شعبان ۱۲۹۴ هجری در مطبعه شمس النهار بطبع رسیده علاوه آنکه ازین اوراق وجود مطبعه شمس النهار و تاریخ کارآن در وطن مکشوف میگردد مقدمه و عظم نامه از مطالب دیگری بنسبت نشریات نیز اشعار میدارد مثلاً پس از يك سلسله تمجیداتی که از اعلیحضرت امیرشیرعلیخان مینماید ضمناً متذکر میشود که این امیرمعارف خواه تجویز فرموده اند که باید واقعات مهله داخله و خارجه را باموا عیظ سود مند و غیره مطالب نافعه دینی و دنیائی را همیشه هر ماه یا بهر هفته بر عایای صادقانه شان آگاهی داده باشیم .

این مسایل هم تا اندازه ما را بمقصد اصلی رهنمونی میکنند که در آن آوان مطابع و نشریات رواج خوبی داشته کتاب دوم آن که بکمک یکی از دوستان از کتابخانه مرحوم امیر محمدخان سپه سالار بدست آمده عبارت است از اصول و قواعد عسکری که مانند قانون نامه های عسکری موجوده در ۷۹ صفحه بتقسیم دو فن و هر فنی دارای فصل های متعدد با نقشه ها و صور مختلفه که بقواعد عسکری مربوط است و تمام کلمات انگلیسی که در مشق نظامی و یا بعوض اسم رتبه های عسکری یاد میشده همه را به افغانی ترجمه کرده اند این کتاب هم در اوایل خود هشت صفحه و کسری فارسی بطوری علاوه الحاقیه دارد که در عنوانش این جملات مرقوم است : « و عظم که بطور مقدمه الحاق وی بهمراه کتاب قواعد ضرور است که عندالایتمام قواعد ، افسرکلان بطور و عظم بهمراه سپاهیان و افسران موجوده میدان بیان نماید ، در اخیر کتاب متأسفانه بعوض آنکه ماه و سال طبع را هم معین کنند تنها بهمان اشاره که به انجام اوامر امیر شیرعلیخان نسبت بطبع کتاب نموده قناعت ورزیده و این جمله را هم بر آن افزوده که در مطبعه مصطفای وی دارالسلطنه کابل باهتمام میرزا محمد صادق خان حلیه طبع پوشید .

مقصد تاجائیکه بشهود رسیده دو مطبعه سنگی در آن اوقات موجود بوده بنام (شمس النهار) و (مصطفای) که این هر دو بتقریب ۶۰ سال پیشتر گویا وارد افغانستان گردید و اما قسمیکه شهرت انطباعیه آن دوره شنیده میشود ممکن است از دو مطبعه بیشتر هم بوده باشد چه بر علاوه نشریات مواعظ و اطلاعات اخبار طوریکه بعضی از

دا نشمندان هموطن میگویند کتب دیگری هم از قبیل اصولات نظامی و علمی و دینی و کاغذ های صکوکات و و ثایق و تکت های پستی طبع میکردند، شهاب ثاقب که برردو ها بیون نوشته شده و در آن یکقسمت خود امیر شیر علیخان هم شرحی نگاشته یکی از مطبوعات آندوره بوده ذخیرة الملوک و خلاصه آن دوباره طبع شده و فتاوی برهنه هم در آنوقت بطبع رسیده همچنان کتب متعددی است ولی چسود که فعلا هیچ آثاری از آن ها باقی نمانده تنها تکت پستی که در آنوقت مروج بوده به پانزده قسم از همین مطابع خارج میشده .
(بقیه دارد)

تشکر از مطبع

مطبعة عمومی کابل که در اثر مجاهدات رئیس هوشمند آن يك عدة کارکنان ماهری را گرد آورده و روز بروز در تکمیل لوازم فنینگ طباعتی آن پرداخته میرود، لذا گفته میتوانیم از جهات ظاهری و معنوی مفهوم يك مؤسسه زیبای عرفانی این عصر را بعلاقه مندان مطبوعات نشان میدهد .
چه هر وقت و زمانی در زینت های انطباعیه کثریات وطن اثرات تازه تری را جلوه گر ساخته و میسازد .

مخصوصاً درین روزها که باز یکمقدار کافی الحروفات سربی با تزئینات و نقشه جات آن از آلمان وارد کرده و علاوه ماشین های رنگا رنگ طبع و آفسیت موجوده ، ماشین های دیگری نیز بخارج سفارش داده و باین نزدیکها انتظار ورود آنرا می برند از قرار معلوم گویا در نظر دارند يك تغییرات و ترقیات بزرگی در مطبوعات داخلی بدهند ، انصافاً از همه زیاده تر بمجله ما حقوقی ثابت کرده اند چنانچه این شماره اول، سال دوم مجله کابل که بتازه ترین حروفات و کلیشه های آن زیور طبع پوشیده خودش بهترین دلیلی است که ترقی و پیشرفت های این مطبعه را در انتظار مبصرین باثبات رساند .